



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

حکم خروج از دار مغضوبه ۱

جلسه ۲۶۱

استاد نجار زاده

مقصود از فقدان مندوحه آن است که مکلف به جمع بین مأموریه و منهی عنه اضطرار داشته باشد؛ در این حالت، اضطرار به دو گونه است:

گونه اول:

مکلف در جمع بین مأموریه و منهی عنه اختیاری نداشته باشد (در جلسات قبل گذشت).

گونه دوم:

اضطرار مستند به سوء اختیار مکلف باشد؛ مانند کسی که عمداً به منزل غصبی داخل شود و سپس به منظور تخلّص از استمرار غضب، مبادرت به خروج از آن نماید.

در این مثال شکی نیست که دخول در منزل تصرّف غصبی است همانطوری که خروج از آن نیز غضب محسوب می شود ولی وی نسبت به تصرّف غصبی دوّم که خروج از ملک باشد به خاطر تخلّص از استمرار فعل حرام مضطرّ بوده منتهی این اضطرار مستند به اختیار خود شخص است زیرا در حال اختیار و از روی عمد به آن داخل گردیده.

این مسئله در لسان متأخرین به مسئله توسط در دار غصبی معروف شده و کلام در آن از دو ناحیه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. آیا تصرّف خروجی از دار غصبی واجب است یا حرام؟

۲. نمازی که در حال خروج خوانده می شود آیا صحیح است یا فاسد؟

حرمت خروج از مکان غصبی یا وجوب آن

اقوال و آراء در آن متعدّد می باشد:

۱. تصرّف خروجی فقط حرام است بدون اینکه امر دیگری ثابت باشد.



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

۲. تصرف مزبور فقط واجب است ولی فاعل را در آخرت عقاب می‌کنند.

۳. تصرف یاد شده فقط واجب بوده و فاعل را بر آن عقاب نمی‌کنند.

۴. این فعل هم واجب بوده و هم حرام می‌باشد.

۵. تصرف خروجی نه حرام بوده و نه واجب ولی مع ذلك فاعل را بر آن عقاب می‌کنند. Imam Sadiq .tv

وجه حرمت:

حرمت تصرف خروجی مبتنی است بر این که تصرف غضبی در ملك به هرنحوی از انحاء تصرف که باشد، اعم از دخول، بقاء و خروج، از ابتداء امر و قبل از ابتلاء به دخول در آن حرام بوده و مورد نهی مولا می‌باشد، لذا مکلف پیش از آنکه داخل ملك غضبی گردد از هر تصرفی در آن منهی و ممنوع بوده حتی از تصرف خروجی زیرا وی از همان بدو امر، از ترك خروج متمکن بوده.

سوال:

کسانی که تصرف خروجی را حرام نمی‌دانند، این مقدار از تصرف را اضطراری می‌دانند؛ بنابراین ترك

این تصرف، در حقّ وی امر ممتنع می‌باشد و با فرض امتناع چگونه بر صفت حرمت باقی باشد؟

جواب:

این امتناع را خود مکلف به سوء اختیار برای خویش فراهم کرده و از اول متمکن از ترك آن بوده و می‌توانسته اساساً داخل در ملك نشود تا نیاز به خروج داشته باشد و «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» پس باید بگوئیم: مکلف مزبور از اول، به ترك تصرف حتی تصرف خروجی مخاطب می‌باشد. لذا خروج فی حدّ ذاته به عنوان اینکه تصرف در ملك غضبی محسوب می‌شود داخل در عنوان منهی عنه می‌باشد. البته این را قبول داریم که ترك خروج شرعاً در اختیار وی نیست؛ ولی چون خود بسوء اختیار این زمینه را برای خویش فراهم نموده، لاجرم نمی‌توان خروج را از تحت عموم عنوان غضب خارج دانست.